

فاصله فرهنگی و نقش رسانه ها در حل منازعات و پیشبرد حقوق

اقلیت ها در ایران

(بررسی موردی موضوع سوسک در روزنامه دولتی ایران)

امیدعلی مسعودی^۱

چکیده

این تحقیق با هدف شناخت فاصله فرهنگی و نقش مطبوعات در حل منازعات و پیشبرد حقوق قومیت ها در ایران و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. در اسناد بالادستی ایران مانند قانون اساسی، سند چشم انداز بیست ساله برابری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قومیت ها تاکید شده است. تجربه نشان داده است که قومیت ها در برابر مطالب منازعه برانگیز قومی در رسانه ها که باعث فاصله فرهنگی قومیت ها می شود؛ واکنش گسترده در دفاع از قومیت خود، نشان می دهند. انتشار مطلب ظاهراً توهین آمیز «سوسک» در روزنامه ایران نمونه مناسبی برای بررسی اعتراض گسترده آذری زبان های ایران است. محقق علاوه بر این نمونه، نمونه دیگری از کشور پاکستان را ارائه می کند. محقق دو نمونه از نقش مطبوعات در ایجاد فاصله فرهنگی بین اقوام و ایجاد منازعات در جامعه رابه صورت هدفمند تحلیل و بررسی کرده است. نتایج نشان می دهد که مطبوعات نقش مهمی در دامن زدن به منازعات قومی و یا حل این منازعات دارند. راهبرد رسانه ای برای کاهش منازعات قومی، افزایش سواد قومی است. رسانه ها ضمن توجه به فرهنگ قومی؛ باید در محتوای خود، اولویت را به فرهنگ و زبان ملی بدهند تا در سایه وحدت ملی در کاهش فاصله فرهنگی و حذف منازعات قومی موفق شوند.

^۱ دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه سوره، oamasoodi@yahoo.com

واژگان کلیدی: رسانه، قومیت، فرهنگ ملی، سواد قومی، فاصله فرهنگی، منازعات قومی

مقدمه

در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی با نقش ها و کارکردهایی که در جوامع ایفاء می کنند به عواملی تعیین کننده در زندگی انسان ها تبدیل شده اند. از میان رسانه های قدیم و جدید مانند رادیو و تلویزیون، مطبوعات و رسانه های الکترونیکی (وبلاگ، وب سایت، شبکه های اجتماعی و میکرو بلاگ ها)، مطبوعات چه به صورت چاپی (print press) و چه به صورت الکترونی (paperless) همچنان نقشی مهم در ارتباطات و اطلاع رسانی میان اعضای یک جامعه دارند. این نقش تعیین کننده بدان ها قدرت می بخشد. این قدرت چنانچه در جهت وحدت و نظم دهی میان مخاطبان به کار رود، تاثیری مثبت در حل منازعات قومی و مذهبی خواهد داشت و چنانچه به هر دلیل بر اختلافات قومی و مذهبی انگشت گذارند باعث تفرقه و نابسامانی در درون جامعه و بحران میان قومیت ها می شوند. باید قدرت رسانه های محلی را در حل منازعات و یا اختلاف افکنی میان قومیت ها را شناخت به همین منظور ابتدا به قدرت مطبوعات می پردازیم:

۱- نقش و کارکرد رسانه ها

نخستین نظریه پردازی که به قدرت رسانه ها به عنوان وسایل تولید فکری توجهی خاص مبذول داشته است، کارل مارکس فیلسوف آلمانی است. او در کتاب ایدئولوژی آلمانی می نویسد: «افکار طبقه فرمانروا در هر عصری عقاید فرمانروا بوده است، یعنی طبقه ای که نیروی مادی حاکم جامعه است، در عین حال نیروی معنوی حاکم آن می باشد. طبقه ای که وسایل تولید مادی را در اختیار دارد، در نتیجه وسایل تولید فکری را نیز تحت نظارت می گیرد، به طوری که افکار کسانی که فاقد وسایل تولید فکری اند در مجموع تحت سلطه آن قرار می گیرد». (مارکس و انگلس، ۱۳۷۷: ۷۳).

هر تعریفی که از قدرت (power) «ارائه دهیم، با در نظر گرفتن شیوه های اعمال آن، اهمیت خاص خود را نسبت به حوزه های مختلف دارد.

با این حال برتراند راسل «فیلسوف انگلیسی، قدرت را ایجاد اثرات مورد نظر» تعریف می کند. رابرت دال می گوید: قدرت به معنی کنترل بر رفتار است» و می افزاید: ک A بر B تا جایی قدرت دارد که بتواند B را به کاری وادارد که در غیر آن صورت، انجام نمی داد. ماکس وبر، جامعه شناس معروف آلمانی، قدرت را امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران تعریف کرد. هانا

آرنت، برعکس، قدرت را به مثابه توانانی توافق بر سر یک شیوه مشترک رفتار در تفاهم و ارتباطی بدون قید و شرط می دانست. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۶).

با توجه به تعاریف فوق، باید قدرت را قابلیت دانست که در اعمال و رفتار، به منصفه ظهور می رسد باوری که پیکره اصلی این نوشتار را از این پس، صورت بندی می کند، نقش و سایل ارتباط جمعی را در اعمال قدرت، بسیار بالا و تعیین کننده در نظر می گیرد و اصولاً با وجود پارادایم قدرت در سه دوره یا انقلاب علمی در نظریه های ارتباطی، نسبت رسانه و قدرت با سه رویکرد مختلف، در رابطه با میزان اعمال رفتار مخاطبان مطمح نظر قرار می گیرد. پارادایم قدرت در نظریه های ارتباطی ترسیم کننده نظریه قدرت جادویی و تاثیر مستقیم پیام و سپس پارادایم تاثیر محدود پیام بر مخاطبان است. اما در هر حال موید نقش پیام در ایجاد تحول فکری مخاطبان است. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۶).

قاسمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد که رسانه های ارتباطی به افراد هویت فرهنگی می بخشند و در آنها احساسی از یگانگی فرهنگی به وجود می آورند. همچنین در پژوهشی دیگر، مقصودی (۱۳۹۰) به این نتیجه رسید که ابزارهای ارتباطی، انزوای فرهنگی را کاهش می دهند. و در تقویت آگاهی قومی و فرهنگی نقش مؤثری ایفا می کنند و زمینه یکسان سازی و یکپارچگی فرهنگی را فراهم می سازند.

دنيس مك كوایل یکی از صاحب نظران نظریه ارتباط جمعی معتقد است: «نهاد رسانه به کار تولید، باز تولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادهایی یا مرجع های معنی دار و قابل تجربه در جهان اجتماعی اشتغال دارد این معرفت ما را توانا می سازد تا به تجربه خود معنا ببخشیم. (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۸۱). او سپس در بررسی نظریه های هنجاری به یکی از اصول نظریه رسانه های توسعه بخش (در کشورهای در حال توسعه مانند ایران) اشاره می کند: «رسانه ها باید در محتوای خود اولویت را به فرهنگ و زبان ملی بدهند». (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

تجربیات تاریخی مانند مطالعه ارزشمند استوارت هال و همکارانش با عنوان «کنترل بحران» نشان داد که چگونه در موضوع مهم نظم و قانون، روزنامه های بریتانیا در دهه ۱۹۷۰، به بحث درباره «جرم جیب بری» وارد شدند و همکاری کردند روزنامه ها با برجسته کردن مسئله، خشم و نفرت عمومی را برانگیختند، قوه قضائیه وارد موضوع شد. (مک نیر، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

۲- نقش رسانه ها در کاهش مناقشات قومی

مانوئل کاستلز، ضمن تاکید بر «قدرت ارتباطات»؛ در تعریف قدرت می نویسد: «قدرت، ظرفیتی رابطه ای است که کنشگر اجتماعی را قادر می سازد به گونه ای ناهمسنگ و از راه هایی که خواسته ها؛ منافع و ارزش های کنشگران صاحب قدرت را بر آورده سازد». (کاستلز، ۱۳۹۳: ۵۳) کاستلز تنها به کنشگران فردی اشاره نمی کند بلکه کنشگران گروهی، سازمان ها، نهادها و شبکه هامورد نظر او است و طبعاً می توانیم قومیت ها را به دلیل رابطه اش از جمله کنشگران اجتماعی به شمار آوریم که قدرت ارتباطات دارند.

دو دیدگاه در رابطه با نقش رسانه ها در کاهش مناقشات قومی وجود دارد. دیدگاه اول نقش همگرایی ملی را برای رسانه ها قائل می شود اما دیدگاه دوم، مبتنی بر واگرایی ملی است که متأسفانه رسانه های ملی می توانند با برخی اشتباهات، خواسته و یا ناخواسته باعث تحریک احساسات قومی شده و به واگرایی ملی دامن زنند. هر چند طبیعی به نظر می رسد که اطلاعاتی که مردم دریافت می کنند لزوماً صحیح نبوده و افراد لزوماً آن را نمی پذیرند. رسانه های جمعی بویژه برای پخش اخبار و اطلاعات در حوزه سیاست مهم هستند و در بیشتر جوامع مهمترین منبع این گونه اطلاعات هستند و البته در میان رسانه های جمعی تلویزیون از همه آنها مهم تر است (راش، ۱۳۷۷: ۱۸۰). اما در هر حال آگاهی از طریق ارتباطات پخش میشود. این منبع ارتباطی ممکن است ناشی از گروه خودی و یا گروه غیر خودی باشد. یکی از نظریه های که نقش ارتباطات را با ناسیونالیسم موثر میداند از آن کارل دویچ است. «او ملت را به عنوان جامعه ای به هم پیوسته که دارای ارتباطات اجتماعی است تعریف میکند و معتقد است، همان گونه که ارتباطات از طرق مختلف نظیر آگاهی دادن، نفوذ در دیدگاهها و تغییر ایستارها و طرز تلقیها، موجب بروز ملی گرایی و کاهش مناقشات قومی و نژادی و فرهنگی شد، ادامه این روند موجب همبستگی و پیوند نزدیک تر در سطح جهان خواهد شد» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). علاوه بر آن، مک کورمک معتقد است که رسانه های جمعی این احساس را در افراد به وجود می آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگتری هستند و بدین گونه رسانه به افراد هویت می بخشد و در آنها احساسی از یگانگی به وجود می آورند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). (از نظر واکر کانر هم ارتباطات درون قومی و میان قومی، هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا میکنند. این امر زمانی مهم تر خواهد بود

که دولت مرکزی در صدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی در آید و مقصودی در تحقیق تفصیلی خود نظر حمید مولانا و الیزابت روبینسون را در مورد نقش رسانه در قوم‌گرایی یادآور می‌شود. او معتقد است پیشرفت در ابزارهای ارتباطی و حمل و نقل، انزوا طلبی فرهنگی را کاهش می‌دهد. پیشرفت تکنولوژی با افزایش آگاهی اقلیت‌ها در قبال تمایزات خود با سایر گروه‌ها، آگاهی فرهنگی آنان را افزایش داده‌است. فرد نسبت به گروه‌های قومی وابسته به خود و هم‌چنین نسبت به کسانی که با او هویت مشترکی دارند، آگاهی بیشتری می‌یابد. ارتباطات نه تنها در تحرک اجتماعی و فرایند شکل‌گیری ملت بلکه در تقویت آگاهی قومی نیز نقش پر نفوذی ایفا میکند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

اندیشمندان رویکرد واگرایی ملی؛ بر روند رو به تزاید بحران‌های قومی و هویت‌خواهی‌های فرهنگی خبر می‌دهد، توسعه و افزایش سطح مراودات و مبادلات را زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت خیزش قومی ارزیابی می‌کنند. آن‌ها بر این امر تأکید دارند که با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه تقویت هویت‌های قومی و تضعیف هویت‌های ملی فراهم می‌شود. هربرت بلومر، مایکل بروان مانوئل کاستلز، رابرتسون، گیدنز، هال و حمید مولانا معتقدند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با تضعیف دولت ملت و شکاف در هویت ملی بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی هستند (مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

از نظر کاستلز سلطه فن‌آوری‌های نوین از یک سو زمینه یکسان‌سازی و یکپارچگی فرهنگی را فراهم ساخته و از سوی دیگر با آگاهی بخشی و تقویت خودآگاهی نسبت به هویت‌های فروملی، زمینه تقویت گرایش‌های گریز از مرکز را فراهم ساخته و هویت‌های ملی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی خواهند شد (شفیعی‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۹) به نقل از: (دهشیری، ۱۳۷۹: ۲۱)، آنتونی گیدنز اعتقاد دارد هویت چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی به فرد تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد آن را به طور تداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). از نظر او نفوذ و تأثیر رویدادهای دوردست بر رخداد‌های نزدیک‌تر، همچنین خصوصی‌ترین‌های گوشه‌های خود ما بیش از پیش به صورت پدیده‌ای رایج و متعارف در می‌آید. رسانه‌های ارتباطات جمعی نقش موثری در این زمینه دارند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). اطلاعات و افکاری که

رسانه ها در جامعه منتشر می کنند فقط بازتابی از جهان اجتماعی نیست بلکه یکی از عوامل و نیروهای موثر در شکل گیری جهان اجتماعی است. این رسانه ها در بازاندیشی مدرن نقش محوری دارند و گزینه های انتخاب ما را مشخص میکنند (کیدنز، ۱۳۸۰: ۲۸)

از سوی دیگر به لطف وسایل ارتباطی جدید، شاهد کوچک شدن جهان و پویایی فرهنگ قومیت ها در یک جهان فشرده هستیم. رابرتسون جهانی شدن را فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی در جهان بعنوان یک کل تعریف می کند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵). او با توجه به رویکرد فرهنگی اش به جهانی شدن، هم بر تکثر و هم بر نسبیت، هم بر تعامل (نه تقابل) و هم عام گرایی و خاص گرایی فرهنگ ها و هویت ها تاکید دارد (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۶۲). رابرتسون تاثیر جهانی شدن را بر فرهنگ محلی و فرهنگ جهانی بررسی می کند و مدعی است دولتها در عصر جهانی شدن قادر به کنترل افکار و ایده هایی نیستند که از طریق رسانه های جدید وارد کشور می شوند و این خود باعث رشد افکار محلی گرایی می شود (نش، ۱۱۱: ۱۳۸۰). یافته های برخی محققان دلالت بر آن دارد که افزایش مصرف رسانه های جهانی شده به تضعیف هویت ملی و هویت دولت ساز منجر شده است.

براین اساس می توان به قدرت تولید معرفت رسانه ها و تاثیر آن ها بر قومیت ها و واگرایی یا همگرایی آن ها، واقف شد و دانست که رسانه ها می توانند به تولید و بازتولید معرفت برای مخاطبان و معنا بخشیدن به تجربیات آن ها تاثیر گذارند. بی گمان این معنا بخشی با تکیه بر باورها و تجربیات پیشین صورت می بندد. برخی از این باورها، باورهای قومی و مذهبی است. شاید برخی از این باورها نیازمند نقد و بررسی باشند. در این صورت سواد انتقادی بسیار حائز اهمیت خواهد بود. ریچارد هوگارت از متفکران مکتب مطالعات فرهنگی در کتاب «کاربردهای سواد» که بعدها استوارت هال آن را «وقفه ای» نامید که سنت انگلیسی مطالعات فرهنگی در آن شکل گرفت؛ نکات جالبی را برمی شمارد. هوگارت می گوید وضع سواد در بریتانیا بسیار بد است و می افزاید: «تقریباً بزرگسالان به نسبت یک به هفت عملاً بی سوادند، به این معنی که آن ها واقعا قادر به تفسیر، مثلاً جدول حرکت اتوبوس ها نیستند!» (هال و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۵۳).

از نظر هوگارت گرچه اقدام حزب محافظه کار انگلیس برای آموزش حرفه ای اقدام شایسته ای بوده است که در کنار سواد مقدماتی، سواد کاربردی، و سواد پایه ای سطح سواد مردم را بالا می

برد اما مادام که با سوادانتقادی همراه نباشد بقیه سوادها هم به درد یک جامعه مبتنی بردموکراسی سوداگرانه نمی خورند. (همان: ۳۵۳). از نظر هوگارت بدون سوادانتقادی، دیگر سوادها به دردپر کردن برگه لاتاری و شرط بندی های فوتبال و یا حداکثر به درد خواندن روزنامه سان می خورد! (همان: ۳۵۳). فقدان سواد رسانه ای و بویژه سوادانتقادی گاهی تاب آوری قومیت ها را در برابر اخبار و اطلاعات رسانه ها تضعیف می کند و از همین نقطه بحران های قومی در شکل اعتراض های ویرانگر جلوه می نماید.

۳- پیشینه حقوق قومیت ها و اقلیت ها

برای بررسی پیشینه حقوق اقلیت ها و قومیت ها در ایران و جهان ابتدا به بحث جهانی پیرامون آن و سپس به حقوق قومیت ها و اقلیت ها در اسناد بالا دستی می پردازیم:

۳-۱- حقوق اقلیت ها در جامعه بین الملل

به دلیل دخالت دولت ها در امور قومیت ها و اقلیت های دیگر کشورها، جامعه بین الملل همواره به دنبال یافتن راه حل هایی برای این موضوع بوده است. جامعه بین الملل در آخرین دهه قرن بیستم از طریق شورای امنیت، با تصویب قطعنامه های ۶۸۸ و ۷۵۷ و ۷۹۴ به ترتیب علیه دولت های عراق (در قضیه کردها) یوگسلاوی (درگیری بوسنی و هرزه گوین) و سومالی (جنگ میان گروه های رقیب) مداخلات نظامی و تحریم های بین المللی را در ابعاد و اجزای مختلف تصویب و به مرحله اجرا در آورده است. (رشیدی نژاد، ۱۳۸۶: ۷۱) علاوه بر این از دهه ۱۹۹۰ حمایت بین الملل از حقوق اقلیت ها وارد مرحله تازه ای شده است، این فضای نوین با جهت دهی افکار عمومی دنیا به ویژه افکار عمومی غرب زمینه طرح خواسته های روبره تزایدی را در میان اقلیت های قومی فراهم می سازد که از منظری بیش از گذشته رویارویی گروه های قومی با یکدیگر و یا با دولت مرکزی را مهیا می سازد.

رقابت ابر قدرت ها یکی از زمینه های مهم بروز مناقشات قومی در سطح جهان؛ رقابت ابر قدرت ها و قدرت های جهانی در گسترش حیطه نفوذ و اقتدار خویش است. تاریخ نشان می دهد که نظریه امنیتی شوروی در حمایت از جنبش های رهایی بخش خلق های تحت ستم در آسیا، امریکای لاتین و آفریقا موید این مقابله جویی های ایدئولوژیک در برابر رقبای غربی بوده است.

سطح منطقه ای برخی از بحران های قومی، در بستری از دخالت ها و زمینه چینی های کشورهای همسایه و قدرتهای محلی و منطقه ای شکل می‌گیرند. این کشورها با تشویق و تحریک گروههای قومی دیگر کشورها، منافع آتی و آتی خود را در تضعیف ساختن حکومت دولت های رقیب و بروز کنش های قومی جستجو می نمایند. دلایل این کار هم به طور خلاصه چنین اند:

- 1- کسب و افزایش نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور بحران زده
- 2- حمایت از هم نژادان و خویشاوندان قومی برون مرزی
- 3- تجزیه و الحاق مناطقی از کشور مورد نظر
- ۴- انحراف افکار عمومی نسبت به مشکلات، تنگناها و بحرانهای داخلی
- 5- بهره گیری از ستیزه های قومی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی در معاملات سیاسی یا کشورهای رقیب. و ...

تحریک قومیت ها در بیرون از مرزهای ملی امروزه در کردستان عراق با وجود گروه های قوم گرای چون پ.ک.ک. و حزب کومله بیشتر قابل تبیین است. گاهی این مشکلات به ورود نظامی یک دولت به درون مرزهای ملی کشور دیگر می انجامد و خسارات زیادی برجای می گذارد.

در جغرافیای سیاسی و بحران های قومی، در تقسیم بندی کلی از قلمرو مکانی بحران ها را به دو دسته داخلی و بین المللی تقسیم می کنند: در تعریف بحرانهای داخلی به شرایط غیرمتعارفی اشاره می‌شود که معمولاً در ساختار سیاسی یک کشور روی می‌دهد و بر حسب ماهیت، شدت، دامنه، زیان و نوع عوامل درگیر در آن، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که از جمله مهم ترین آنها بروز بحران های قومی میان گروه های مختلف ساکن در یک سرزمین یوگسلاوی و... همچنین جنگهای چریکی را که معمولاً توسط گروههای سیاسی و یا به وسیله گروههای قومی به منظور ساقط کردن حکومت مرکزی و با تجزیه مناطقی از کشور و یا کسب خودمختاری شکل می‌گیرد. می‌توان در چارچوب بحران های داخلی مورد توجه قرارداد. (مقصودی: ۱۳۸۱)

دخالت دولت ها در بحران های قومیتی کشور دیگری به بحران های بین المللی تبدیل می شوند. مانند بحران کوزوو در یوگسلاوی سابق.

در اسناد بالادستی کشورمان هم توجه خاصی به برابری قومی و نژادی مبذول شده است. در قانون اساسی توجه ویژه‌ای به حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها شده است. با مروری بر اصول مختلف قانون اساسی می‌توان به روشنی نگاه چندفرهنگی این سند بالادستی کشور را دریافت. به طوری که اصول نوزده، پانزده، چهارده، سیزده و دوازدهم قانون اساسی به ترتیب با بیشترین تأکید، به موضوع چندفرهنگی کشور پرداخته و به برابری قومی و نژادی همه افراد اشاره شده است. اصل نوزدهم قانون اساسی همه افراد را از حقوق مساوی برخوردار دانسته و تأکید می‌کند که هیچ کدام از ویژگی‌های یادشده، توجه به زبانهای محلی و قومی مورد توجه قرار سبب امتیاز نیست.

اصل نوزدهم بیان می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد؛ زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود» در اصل پانزدهم توجه به زبان‌های محلی و قومی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در اصل پانزدهم آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». همچنین؛ رعایت حقوق همه آحاد جامعه، آزادی در اجرای مناسک دینی و رعایت اخلاق حسنه و عدالت در مواجهه با مذاهب و ادیان دیگر از جمله مواردی است که قانون اساسی ایران در اصول چهاردهم، سیزدهم و دوازدهم بر آن‌ها صحه گذاشته است. در اصل چهاردهم آمده است: «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

همانطوری که ملاحظه می‌شود، نص صریح اصول یاد شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر پذیرش موضوع چندفرهنگی از یکسو و الزام افراد و نهادها نسبت به رعایت این موضوع، از سوی دیگر دلالت دارد. (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

علاوه بر قانون اساسی، سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله کشور ایران، به عنوان افق پیش‌روی جامعه ایرانی برای دستیابی به پیشرفت تا سال ۱۴۰۴ توجه خاصی به برابری افراد و عدم تبعیض

در جامعه دارد. این سند، موضوع توجه به «حفظ کرامت و حقوق انسانها»، «ایجاد فرصتهای برابر و به دور از تبعیض»، «عدالت اجتماعی و آزادی های مشروع را به عنوان بخشی از اهداف خود مطرح نموده است. از سوی دیگر، شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان تنها قانونگذار حوزه فرهنگ که مصوباتش به منزله قانون، در همه عرصه های فرهنگی و تربیتی جمهوری اسلامی ایران ساری و جاری است، به عنوان نهاد سیاستگذار در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت، در مصوبه پانصد و هفتاد و نهمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۶ خود — نظر به اهمیت تاریخ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام — وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی را موظف نموده است خلاصه ای از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران را در متن کتب درسی کلیه رشته های تحصیلی متناسب با موضوع آن بگنجانند. پس یکی از راه های همگرایی ملی توجه به فرهنگ قومیت ها و اقلیت ها و آموزش این فرهنگ در مدارس و به طریق اولی در رسانه های کشور است.

۴- مفاهیم نظری

در نوشته ای که پیش رو دارید تلاش شده است تا در تکمیل بحث قدرت مطبوعات برای حل منازعات قومی از نوع دیگری از سواد به نام «سواد قومی (Ethnic Literacy)» یاد کنیم. زیرا مطبوعات بدون در نظر گرفتن این نوع از سواد که در ساختارهای فرهنگی و قبیله ای یک قوم نسل اندر نسل آموخته و منتقل می شود، گاهی در بیان اخبار و مطالب باعث بحران های قومی و حتی ملی و یا بین المللی می شوند.

همین سواد قومی است که با استناد به دیدگاه فاصله (Distance) جان فیسک، بین مطبوعات سراسری و باورهای قومی یک قوم فاصله گاهی شکاف (Gap) ایجاد می کند. فیسک معتقد است: «مفهوم فاصله، شاخص اصلی تفاوت بین فرهنگ والا و فرهنگ توده ای است و نیز اصلی ترین عاملی است که معناها و کنش ها و لذت های مرتبط با شکل بندی های اجتماعی فرادست را از معنا و کنش ها و لذت های مرتبط با شکل بندی اجتماعی فرو دست جدا می کند. فاصله فرهنگی مفهومی چندبعدی است» (همان: ۷۲).

ما در بررسی برخی منازعات قومی که متأسفانه از سوی رسانه ها در سال های اخیر دامن زده شده است. شاهد این فاصله فرهنگی بین مطبوعات و مخاطبان از یک قوم بوده ایم.

۵- بررسی موردی بحران قومی و رسانه ها

برای بررسی بیشتر لازم است ابتدا نمونه ای از کشوری بجز ایران ارائه دهیم. شاید کشور پاکستان که در همسایگی ایران قرار دارد و مشترکات فرهنگی زیادی هم با مردم ایران دارد نمونه خوبی از نحوه برخورد با فاصله مطبوعات با مسائل قومی باشد.

۵-۱- مطبوعات و منازعات قومی در پاکستان

قومیت و جنسیت در پاکستان و قوانین قومی همواره باعث منازعات در جامعه چند قومیتی پاکستان شده است. در رویدادی نادر و غیر قابل باور و بر اساس باورهای قومی در برابر چشم ناظران به یک دختر تجاوز می شود. این باور فرهنگی است که چنین صحنه زشت و دردناکی را در جوامع قبیله ای و در عصر جهانی شدن و شکل گیری جامعه اطلاعاتی نشان دهنده همان فاصله بین فرهنگ قومی و فرهنگ ملی در پاکستان است.

قبیله گرای و قومیت در برخی کشورها مانند پاکستان، حوادث عجیبی را رقم می زند. به گزارش وب سایت خبری تابناک، دختر ۱۸ ساله پاکستانی به دستور دادگاه قبیله ای در شهر مروالا در پاکستان مورد تجاوز گروهی قرار گرفت. این جرم در حالی اتفاق می افتاد که حدود یک هزار نفر از مردم شهر و در مقدمه آنان پدر آن دختر نظاره گر آن بودند. این دختر ۱۸ ساله در پاکستان به دستور یک دادگاه قبیله ای وابسته به قبیله "ماسوتی" در ملام مورد تجاوز گروهی قرار گرفت. طبق این گزارش برادر این دختر، نوجوانی ۱۱ ساله و از قبیله گوجار با دختری از قبیله ماسوتی که از لحاظ اجتماعی بالاتر از قبیله او بود رابطه برقرار کرده و مردم شهر آنان را در حال قدم زدن در شهر مشاهده کرده بودند. دادگاه قبیله ای وابسته به قبیله ماسوتی برای انتقام از این کار نوجوان طبق قواعد عرفی حاکم در پاکستان دستور داد که باید خواهر آن پسر ۱۱ ساله در میان عموم مردم شهر و حضور پدر آن دختر مورد تجاوز گروهی مردان قبیله قرار گیرد تا به این طریق اعتبار و شرف خود را در جامعه برگردانند. در این تجاوز ۴ مرد به انتخاب دادگاه شرکت کرده بودند و در حالی که دختر و پدر با گریه از آنان درخواست بخشش می کردند با حضور بیش از یک هزار نفر از مردم شهر و جلوی دیدگان پدر به دختر ۱۸ ساله تجاوز شد. گفتنی است که این شیوه طبق عرف

برخی قبایل پاکستان، حق عرفی و قانونی افراد برای ستاندن شرف و حیثیت خود در جامعه است. طبق گزارش سازمان حقوق بشر سالیانه ده‌ها جرم اینچینی در جامعه پاکستان اعمال می‌شود که دولت و نیروهای امنیتی با وجود اطلاع قبلی در صدد منع اعمال آنها نیستند. منطقه خاورمیانه آلوده به ویروس عقب افتادگی می‌باشد زنان نخستین قربانی فاجعه های ضد بشری می‌باشند. (تابناک ۱۳۹۰)

به نظر می‌رسد مطبوعات و رسانه های پاکستانی به جای اکتفا کردن به درج خبر به واکاوی فاصله فرهنگی در جامعه پرداخته و با افزایش سواد انتقادی در میان مخاطبان، به اصلاح سواد قومی افراد قبایل «ماسوتی» و «گوجار» پردازند.

این یک سوئه ماجرا است، یعنی اتفاقی روی داده و مطبوعات خبرش را درج کرده اند اما سوئه دیگر بحران و منازعات قومی متأسفانه از انتشار یک مطلب خبری و یا غیر خبری از جانب مطبوعات شکل می‌گیرد و به فاصله های فرهنگی دامن می‌زند. در این باره به بررسی یک مورد خاص در ایران می‌پردازیم.

۵-۲- روزنامه ایران واهانت به قوم آذری

کاریکاتور جنجالی روزنامه ایران در هفته نامه «ایران جمعه» ویژه نامه روزهای جمعه روزنامه ایران (به صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی) ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ در صفحه کودک و نوجوان به صورت کمیک استریپی با عنوان «چه کنیم که سوسک‌ها سوسکمان نکنند» منتشر شد. در این کمیک استریپ پسر بچه‌ای با زبان «سوسکی» به سوسک می‌گوید «SOOSOO»: «soosking sisko sooski sooskung». اما چنان که در متن گفته شده است، چون سوسک زبان خود را درست نمی‌فهمد، از حرف‌های پسر بچه سر در نمی‌آورد و به زبانی دیگر (در این جا: ترکی) به سادگی می‌گوید: «چی؟!» (به ترکی: نمنه). بنابراین زبان سوسک، همان زبانی است که پسر بچه بدان سخن گفته بود. منبع ویکی پدیا)

در این کمیک استریپ به زبان طنز در باره چگونگی مقابله با سوسک‌ها در قالب دو شخصیت سوسک و یک پسر نوجوان پرداخته شده بود. در تمامی کاریکاتورها سوسک به زبان فارسی سخن می‌گوید؛ اما در یکی از بخش‌ها در پاسخ به پسر نوجوان از کلمه ترکی «نمنه» (چی یا چه می‌گویی؟) استفاده می‌کند. در متنی که در کنار کاریکاتور و تحت عنوان «گفتمان» آمده نوشته

شده: «... مشکل اینجاست که سوسک زبان آدم حالی‌ش نمی‌شه. دستور زبان سوسکی هم آن قدر سخته که هشتاد درصد خود سوسکهام بلد نیستن و ترجیح می‌دن به زبانهای دیگه حرف بزنین. وقتی سوسکا زبون خودشونو نمی‌فهمن شما چه جوری می‌خواین بفهمین؟!...» (همان: ۱) این کاریکاتور سبب تظاهرات‌های گسترده در تبریز و مناطق ترک نشین ایران، کشته و زخمی شدن عده‌ای از معترضین در شهرهای نقره، ارومیه، تبریز، اردبیل و مشگین شهر گردید.

برخی گفته‌های شهروندان معترض به این مطلب، در تحلیل محتوای کیفی بیانگر ارجحیت فرهنگی آنان نسبت به کاریکاتور نیست و یا بیانگر عدم درک و فهم کاریکاتور نیست از فرهنگ غنی معترضین بود. هر دو این اظهارات، نشانگر فاصله فرهنگی بین رسانه و قومیت بود.

رئیس انجمن کاریکاتور نیست‌های تبریز طی یادداشتی در سایت رسمی این انجمن در مورد کاریکاتورهای روزنامه ایران نوشت: کارتونیست روزنامه ایران طی نامه‌ای طولانی برای بنده مسئله را توضیح داده است که: «استفاده از واژه‌های «سنه نه» و «نه منه» که در دیالوگ سوسک آورده شده، اصطلاحاتی هستند که روزانه در زبان فارسی بکار گرفته می‌شوند و این نکته نشان از نفوذ زبان ترکی (برخلاف آنچه در کنار کارتون نوشته شده) در زبان فارسی دارد. نکته دوم اینکه در همان صفحه یا صفحه ۲۰ روزنامه، کارتون‌های دیگری کشیده شده که قورباغه و سوسک با لهجه غلیظ تهرانی حرف می‌زنند، در حالی که حمل بر سوسک بودن تهرانی‌ها نشده است». وی افزود: کارتونیست روزنامه ایران در ادامه توضیح داده، که دوستان زیادی از تبریز و اردبیل دارد و هیچ مقصودی در طنز بکار رفته شده نداشته است و هیچ دلیلی برای توهین به ترک‌ها وجود ندارد. (همان: ۲) می‌توان گفت رئیس انجمن کاریکاتور نیست‌های تبریز با توضیحاتش تلاش می‌کند تا فاصله فرهنگی بین دو قوم را کاهش دهد و اشتراک زبانی تهرانی‌ها و آذری‌ها را یاد آور می‌شود و توهین آمیز بودن نماد سوسک و زبانش را نفی کند.

اما این تلاش‌ها هم به دلیل میزان سواد قومی، در میان معترضان مورد قبول واقع نشد. در پی تظاهرات گسترده در تبریز و در دیگر شهرهای آذری زبان کشور، هیات نظارت بر مطبوعات تشکیل جلسه اضطراری داد و روزنامه ایران را توقیف موقت و پرونده آن را راه داد سرا فرستاد. روزنامه ایران ۳۱ اردیبهشت عذرخواهی و اعلام کرده بود که مانا نیستانی کاریکاتور نیست مطلب را اخراج کرده است. پس از انتشار خبر توقیف بیانیه‌ای با عنوان «ما اهل ایرانیم» توسط کارکنان این

روزنامه منتشر شد که در آن آمده بود: «ما اهل ایرانیم. اهل «ایران». در میان ما هم از جنس ترک است، هم از جنس کرد. هم از طایفه لر است، هم از تبار عرب. هم از سلسله بلوچ است، هم از سلاله عجم. و برای ما مباهات است که در خانواده «ایران» قاطبه مدیران، مجریان و خبرنگاران، خود افتخار انتساب به هموطنان ترک را دارند. دردناک تر از این چه می تواند بود که در چنین شرایطی به جفا و توهین به مام و ملیت خویش متهم شویم. ما خبرنگاران «ایران» از هر جا که هستیم، پیش و بیش از هر چیز یک ایرانی مسلمان هستیم.» سخنگوی قوه قضائیه نیز از صدور قرار بازداشت برای کارتونیست و سردبیر ایران جمعه خبر داد. فیروزی دادستان تبریز نیز اعلام کرد که علیه روزنامه ایران اعلام جرم کرده است. (همان: ۳)

مانا نیستانی طراح کاریکاتور پیرامون کاریکاتور مذکور گفت: «استفاده از واژه های «سنه نه» و «نه من» که در دیالوگ سوسک آورده شده، اصطلاحاتی هستند که روزانه در زبان فارسی به کار گرفته می شوند و این نکته نشان از نفوذ زبان ترکی در زبان فارسی دارد. نکته دوم اینکه در همان صفحه یا صفحه ۲۰ روزنامه، کارتون های دیگری کشیده شده که قورباغه و سوسک با لهجه غلیظ تهرانی حرف می زنند، در حالی که حمل بر سوسک بودن تهرانی ها نشده است» (همان: ۳)

توقیف روزنامه ایران ۵ ماه ادامه یافت و سپس با تغییر کادر و مدیریت آن انتشار خود را از سر گرفت. غلامحسین اسلامی فر مدیر مسئول روزنامه نیز از اتهام ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه و اهانت به مردم ترک زبان تبرئه شد. وی در دادگاه گفت: «شخصیت داستانی و طنز در کاریکاتورهای دیگر مطلب مزبور به زبانهای رایج دیگری در کشور از جمله فارسی نیز سخن گفته و بدین ترتیب کاریکاتوریست قصد توهین به ترک زبانان نداشته است.» (همان: ۳)

]



شکل ۱- صفحه کودک و نوجوان روزنامه ایران و ابهام توهین آمیز بودن آن

۶- تحلیل محتوای کیفی دیدگاه‌های کاربران اینترنت درباره منازعه قومی

بوسر اهانت روزنامه ایران

یکی از راه‌ها و روش‌های مطالعه پیرامون محتوای یک مطلب، تحلیل محتوای مطلب از سوی مخاطبان است. محقق پس از انجام کدگذاری شاخص‌ها و تعیین مقوله‌های متن به تفاوت‌های زبانی و اختلافات فرهنگی میان کاریکاتوریست و نظر خوانندگان دست یافت. مهم‌ترین اختلاف بر سر اولویت مطالب است. به عنوان مثال اگر کاریکاتور دیگری که در همان صفحه کشیده شده که قورباغه و سوسک با لهجه غلیظ تهرانی حرف می‌زنند، قبل از کارتون لهجه آذری قرارداد می‌شد و با توجه به عدم فاصله فرهنگی حمل بر سوسک بودن تهرانی‌ها نشد، کارتون دوم هم در سایه عدم فاصله فرهنگی، با استنباط خوانندگان آذری زبان، مبنی بر توهین روبرو نمی‌شد. تحلیل محتوای صفحه کودک و نوجوان روزنامه ایران دلیل توهین آمیز بودن این صفحه نسبت به ترک زبانان را علاوه بر نوع چینش و برجسته‌سازی کارتون‌ها، فقط در اختلافات زبانی و فهم معنای

جملات یافت. این فهم در قومیت ها مبتنی بر معناهایی است که در فرهنگ قومیت ها وجود دارد. مثلاً در یک قوم لباس عزاداری سیاه و در قوم دیگری سفید است. چون معناهای متفاوتی وجود دارد که کارکرد رنگ ها را در هر قومیتی تعیین می کند. در کنار این یافته ها پرداختن به تحلیل محتوای سایت بی بی سی (بنگاه سخن پراکنی بریتانیا) از عواقب مطلب روزنامه ایران در روز دوم خرداد ۱۳۸۵ با طرح دو سؤال نظر کاربران را را درباره موضوع کاریکاتور سوسک در روزنامه ایران و جنجال های پس از آن جویا شده است. بخشی از متن بی بی سی و پرسش ها بدین شرح است:

۱۷:۴۸ گرینوچ - سه شنبه ۲۳ مه ۲۰۰۶

طنزپردازی در مورد اقلیت ترک : شوخی یا توهین؟

انتشار کاریکاتوری در هفته نامه ایران جمعه اعتراض شمار زیادی از ترک زبانان ایران را برانگیخته که آن را دارای مضمونی توهین آمیز نسبت به زبان مادری خود دانسته اند. این کاریکاتور در گوشه ای از صفحه کودک و نوجوان هفته نامه ایران جمعه و طی مطلبی با ادبیات کودکانه با عنوان "چه کنیم که سوسکها سوسکمان نکنند" چاپ شده که محتوای آن ارتباطی با مسائل حساسیت برانگیز قومی ندارد. مسئولان هفته نامه نیز بارها تأکید کرده اند که هدف از این کاریکاتور اهانت به ترک زبانان نبوده است.

سرزمین ایران در سراسر تاریخ خود زیستگاه قومیت های مختلف با زبانهای گوناگون بوده و این قومیتها هزاران سال در قالب ملتی واحد با یکدیگر همزیستی داشته اند. اکنون با توجه به معادلات و وضعیت دنیای معاصر و با در نظر گرفتن جایگاه ایران در منطقه و مسائلی که پیش روی این کشور وجود دارد، برانگیخته شدن حساسیت های قومی در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

فکر می کنید مرز استفاده از شوخی با قومیتها تا کجاست؟ به نظر شما برای جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات قومی در ایران چه راهکاری باید اندیشیده شود؟

نتیجه گیری

تحلیل محتوای روزنامه ایران و بررسی منازعات قومی ناشی از انتشار یک خبر، نشانگر آن است که مطبوعات نقش مهمی در دامن زدن به منازعات قومی و یا حل این منازعات با توجه به سواد قومی آن ها دارند. در قوانین بالادستی ایران به حقوق اقلیت ها و قومیت ها توجه خاصی شده است و همه مردم ایران را فارغ از زبان و دین در برابر قانون یکسان دانسته است. این تحقیق تأیید کننده نظر دنیس مک کوایل است که می گوید: «نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادهایی یا مرجع های معنی دار و قابل تجربه در جهان اجتماعی اشتغال دارد این معرفت ما را توانا می سازد تا به تجربه خود معنا ببخشیم». (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۸۱). بر اساس همین نظر می توان گفت راهبرد رسانه ای برای کاهش منازعات قومی، افزایش سواد قومی است. این سواد باعث کاهش فاصله فرهنگی بین قومیت ها می شود. همچنین رسانه های سراسری ضمن توجه به فرهنگ قومی، باید در محتوای خود اولویت را به فرهنگ و زبان ملی بدهند. رسانه های محلی نیز سعی و اهتمام خود را بر زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ محلی قرار دهند. با توجه به بحران های فراملی و دخالت های خارج از مرزهای ملی؛ همچنان که اشاره شد آموزش فرهنگ و تاریخ قومیت ها و اقلیت های ایرانی در مدارس راه حل مناسبی برای کاهش فاصله فرهنگی در جامعه ایران است. زیرا همه قومیت ها می توانند در زیر چتر ملیت گردهم آیند و بدون اختلافات قومیتی زندگی کنند. اما نمی توان قومی را به اجبار در زیر سایه قومی دیگر و ادار به همزیستی کرد. در چنین هنگامی است که منازعات قومی شکل می گیرد و جامعه دچار آزار هم گسیختگی می شود.

منابع

- تابناک (۱۳۹۰) «تجاوز به دختری در ملاء عام» کد خبر: تاریخ ۱۸ خرداد ماه، کد خبر ۱۶۹۳۸۲ در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/169382/>
- رابرتسون، رولاند (۱۳۸۰) جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی. تهران نشر ثالث .
- راش، مایک (۱۳۷۷) جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر جوری تهران: انتشارات سمت.
- رشیدی نژاد، زینب (۱۳۸۶) موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری شماره سی و هفتم، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲ - ۶۳.
- شفیعی نیا، عباس (۱۳۹۴) پیامدهای شبکه های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی هویت ملی و هویت قومی کردها). دوره ۵، شماره ۲ (۱۳ پیاپی)، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۶۳-۸۶.
- صادقی، عباس (۱۳۹۱) ویژگی ها و ضرورت های تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران ، راهبرد فرهنگ ، شماره هفدهم و هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- قاسمی، زهره؛ ، (۱۳۹۳) روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ پنجم، ص ۱۵.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳) قدرت ارتباطات، مترجم حسین بصیریان جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز .
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمه ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه شناسی. ترجمه: م، صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه: ن، موفقیان. تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل و فردریش انگلس، (۱۳۷۷)، ایدئولوژی آلمانی، مترجم تیردادنیک، تهران: شرکت پژوهشی پیام پیروز.
- مسعودی، امید، (۱۳۸۴)، «پارادایم «قدرت» در نظریه های ارتباطی»، در خردنامه ضمیمه روزنامه همشهری، ۳۱ فروردین.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۰). «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی» فصلنامه مطالعات ملی، ش ۶، صص ۱۷۱-۱۹۶.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) نقش گروه‌های قومی در توسعه اجتماعی»، در: مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقصودی، مجتبی و ارسیا، بابک (۱۳۸۸). جایگاه گردشگری در تعمیق همبستگی ملی در ایران» فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۷، سال دهم،
-
- مک کوایل، دنیس، (۱۳۸۸)، در آمدی بر نظریه های ارتباطات جمعی، مترجم پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- مک نیر، برایان، (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر ارتباطات سیاسی، مترجم مهدی کاظمی، تهران: انتشارات همشهری
- نش، کیت (۱۳۸۰) جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- هال، استوارت و دیگران، (۱۳۸۶)، مطالعات فرهنگی: دیدگاه ها و مناقشات، گزینش و ویرایش مقالات محمدرضایی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- ویکی پدیا:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%84_%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%D8%AA%D9%88%D8%B1_%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86